

تحلیل تحولات جغرافیای مقاومت در چارچوب تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی

محمد جواد موسی نژاد^۱، علی کرمی^۲، افشین متقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

چکیده: تحولات جغرافیای مقاومت در چارچوب تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی (امام خمینی و مقام معظم رهبری) نشان دهنده گذار از نگرشی سرزمینی و دفاعی به رویکردی پویا، چندبعدی و فراملی است که در آن، عمق راهبردی نه گسترش فیزیکی قلمرو، بلکه به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک مبتنی بر قدرت نرم، شبکه‌های مقاومت و همبستگی امت اسلامی تعریف می‌شود. این مقاله با هدف تحلیل تحولات جغرافیای مقاومت، به بررسی چگونگی شکل‌گیری و گسترش این مفهوم در چارچوب تحول عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. سوال اصلی پژوهش این است که تحولات کنونی جغرافیای مقاومت در چارچوب تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران چگونه قابل تبیین است؟ در این مطالعه با روش تحلیل محتوا و با استناد به بیانات رهبران انقلاب، سیر تکامل مفهومی جغرافیای مقاومت از مرزهای ملی به حوزه‌های فراملی همچون لبنان، فلسطین، عراق، سوریه و یمن بررسی شده و نقش این تحول در بازتعریف مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران تحلیل می‌گردد. بر این اساس، عمق راهبردی نه تنها به عنوان ابزاری برای بازدارندگی در برابر تهدیدات، بلکه به مثابه یک راهبرد فعال در توسعه نفوذ فرهنگی، سیاسی و امنیتی ایران در منطقه تعریف می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که جغرافیای مقاومت در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی، از یک

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

mousanejad@soc.ikiu.ac.ir

۲- دانش آموزخته دکتری مطالعات اروپای دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Alikarami598@ut.ac.ir

۳- استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

a.mottaghi@khu.ac.ir

چارچوب دفاعی صرف فراتر رفته و به یک الگوی بازدارندگی فعال با پشتوانه فرهنگی-ایدئولوژیک تبدیل شده است که در توازن سازی با نظم منطقه‌ای مطلوب غرب نیز نقش آفرینی می‌کند. بیانات رهبران انقلاب نشان می‌دهد که عمق راهبردی امروز نه تنها یک مفهوم امنیتی، بلکه پروژه‌ای تمدنی است که بر پایه گفتمان امت واحد و تقابل با نظام سلطه شکل گرفته است. این تحول، الگویی نوین از ژئوپلیتیک مقاومت را ارائه می‌کند.

واژگان اصلی: جغرافیای مقاومت، عمق راهبردی، بیانات رهبران انقلاب، بازدارندگی فعال.

مقدمه

در نظم بین‌المللی معاصر، به‌ویژه پس از جنگ سرد، مفهوم «عمق راهبردی»^۱ به یکی از عناصر کلیدی در طراحی سیاست‌های امنیتی و نظامی کشورها بدل شده است. این مفهوم، که در ابتدا در حوزه‌های نظامی و جغرافیای جنگی مورد استفاده قرار می‌گرفت، امروزه به ابزاری برای تفسیر توان نفوذ، تاب‌آوری و بازدارندگی راهبردی دولت‌ها در محیط ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مفهوم عمق راهبردی با برداشت خاصی از ارزش‌های انقلاب اسلامی، عدالت‌محوری، مبارزه با سلطه، و حمایت از مستضعفین پیوند خورده و توسعه یافته است. بر اساس گفتمان امام خمینی(ره)، مرزهای جغرافیایی نباید مانع از ایفای نقش انقلاب اسلامی در حمایت از مستضعفین و مظلومان جهان شود. ایشان با تأکید بر ماهیت فراملی انقلاب اسلامی، رسالت آن را صدور پیام اسلام ناب محمدی(ص) و مقاومت در برابر استکبار جهانی معرفی می‌کنند(صحیفه امام خمینی ره، ج ۲۱: ۲۹۳). این نگاه در بیانات مقام معظم رهبری نیز به‌گونه‌ای عمیق‌تر و با نگاهی راهبردی‌تر استمرار یافته است. ایشان مفهوم «جبهه مقاومت» را نه تنها به عنوان یک ائتلاف سیاسی یا نظامی، بلکه به‌عنوان یک جغرافیای ارزشی - تمدنی با هدف ایستادگی در برابر نظام سلطه تعریف می‌کنند(امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸). در این چارچوب، جغرافیای مقاومت به مثابه بسط عمق راهبردی ایران در مناطق حساس غرب آسیا، به‌ویژه در کشورهایی مانند لبنان، سوریه، عراق، فلسطین و یمن ظهور کرده است. این جغرافیا بر اساس پیوندهای فرهنگی، دینی، ایدئولوژیک و ضدسلطه میان جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های مقاومت شکل گرفته و

^۱ . Strategic Depth

تقویت شده است. تحول در سطح و ماهیت این جغرافیای مقاومت، در واقع بیانگر تحول در درک و کاربرست «عمق راهبردی» از منظر گفتمان انقلاب اسلامی است. با این حال، تحلیل دقیق چگونگی تحول این جغرافیا و نسبت آن با تحول مفهومی «عمق راهبردی» در بیانات رهبران انقلاب اسلامی، هنوز با فقدان ادبیات تحلیلی و نظام‌مند روبروست. بیشتر پژوهش‌ها یا بر تحلیل‌های صرفاً ژئوپلیتیکی تمرکز دارند یا به بررسی گفتمان مقاومت بدون توجه به لایه‌های مفهومی عمق راهبردی پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، ضرورت مطالعه‌ای را ایجاب می‌کند که با رویکرد گفتمان‌محور و تفسیری، به تحلیل تطور مفهوم «عمق راهبردی» در بستر گسترش جغرافیای مقاومت بپردازد. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که: گفتمان انقلاب اسلامی چگونه از رهگذر بیانات و رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مفهوم عمق راهبردی را بازتعریف کرده و این بازتعریف چه نقشی در شکل‌گیری، توسعه و تحول جغرافیای مقاومت در منطقه غرب آسیا ایفا کرده است؟

پیشینه پژوهش‌های فارسی مرتبط با موضوع «تحلیل تحولات جغرافیای مقاومت در چارچوب تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی هرکدام به بخشی از موضوع مانند «جغرافیای مقاومت»، «عمق راهبردی»، «گفتمان انقلاب اسلامی»، یا «سیاست خارجی جمهوری اسلامی» پرداخته‌اند که در ادامه به مروری بر این پژوهش‌ها پرداخته می‌شود؛

جدول ۱: پیشینه پژوهش‌های فارسی مرتبط با جغرافیای مقاومت و عمق راهبردی

جمهوری اسلامی ایران

ردیف	نویسنده / سال	عنوان مقاله	نام نشریه	محور اصلی پژوهش	یافته‌ها
۱	قلی‌زاده، محمدحسین (۱۴۰۰)	بررسی مفهومی عمق راهبردی در گفتمان مقاومت	فصلنامه مطالعات راهبردی	عمق راهبردی در گفتمان مقاومت	تبیین الگوی بومی از عمق راهبردی با تأکید بر گفتمان انقلاب
۲	توفیقی،	تحلیل	مطالعات	جغرافیای	نقش

	محمدرضا (۱۳۹۹)	جغرافیای مقاومت در چارچوب نظم نوین منطقه‌ای	بین‌المللی	مقاومت	گروه‌های مقاومت در بازتعریف توازن قدرت منطقه‌ای
۳	عباسی و کاویانی (۱۳۹۸)	نقش گفتمان مقاومت در بازدارندگی منطقه‌ای	پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی	بازدارندگی و مقاومت	گفتمان مقاومت به‌مثابه عامل بازدارندگی چندلایه ایران
۴	عزیزی، محسن (۱۳۹۷)	نقش عمق راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی	فصلنامه سیاست خارجی	سیاست خارجی و عمق راهبردی	تحلیل ابعاد نرم و سخت عمق راهبردی ایران در منطقه
۵	حیدری، علی‌اکبر (۱۳۹۶)	بازنمایی جغرافیای مقاومت در بیانات رهبری	فصلنامه فرهنگ پایداری	تحلیل گفتمان رهبری	استخراج عناصر مفهومی جغرافیای مقاومت از بیانات مقام معظم رهبری
۶	فرجی و حسینی (۱۳۹۵)	گفتمان‌سازی مقاومت در سیاست	مطالعات منطقه‌ای	گفتمان‌سازی مقاومت	نقش سیاست خارجی در ترویج مفاهیم

			خارجی ایران		
مقاومت با رویکرد نرم افزاری					
بررسی تحول گفتمانی از صدور انقلاب به تثبیت جغرافیای مقاومت	تطبیق گفتمان رهبران انقلاب	پژوهش های سیاسی جهان اسلام	تحلیل تطبیقی گفتمان امام خمینی و رهبری درباره مقاومت	جعفری ولدانی، سیدابراهیم (۱۳۹۴)	۷

منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۴

پژوهش های خارجی چندی نیز در مورد موضوع «تحلیل تحولات جغرافیای مقاومت در چارچوب تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی» انجام شده است که در ادامه به مروری بر برخی از آن ها پرداخته شده است؛

جدول ۲: پیشینه پژوهش خارجی

ردیف	نویسنده / سال	عنوان پژوهش	منبع	محور موضوعی	یافته ها
۱	نصری، ولی (۲۰۰۶)	خیزش شیعی: چگونه درگیری های درون اسلام آینده را شکل می دهد	W.W. Norton & Co	گسترش مقاومت شیعی	تحلیل نقش انقلاب اسلامی در شکل گیری هویت مقاومت در لبنان، عراق و سوریه

۲	احتشامی و هینبوش (۲۰۰۲)	سوریه و ایران: قدرت‌های میان‌ه در نظام منطقه‌ای نفوذپذیر	Routledge	اتحاد راهبردی منطقه‌ای	بررسی همکاری استراتژیک ایران و سوریه به‌عنوان مولفه‌ای از عمق راهبردی ایران
۳	موبارکی، محمد (۲۰۲۱)	نقش عمق راهبردی ایران در خاورمیانه: از انقلاب اسلامی تا بحران‌های منطقه‌ای	Middle Eastern Studies, 57(2)	عمق راهبردی در تحولات منطقه	تحلیل گفتمان ایران درباره مقاومت و تأثیر آن در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای
۴	مازنی و سنگر (۲۰۱۸)	توافق هسته‌ای ایران و محاسبات ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی	Foreign Affairs, 97(4)	سیاست هسته‌ای و مقاومت	تحلیل استفاده ایران از عمق راهبردی در مقابل تهدیدات بین‌المللی و

نقش گفتمان مقاومت					
بررسی عمق راهبردی ایران به عنوان عامل بازدارنده در مواجهه با فشارهای غرب	راهبردهای امنیتی	Carnegie Endowment	جاه طلبی های هسته ای ایران	چوبین، شهریار (۲۰۰۲)	۵
نقش گسترش محور مقاومت در تقویت نفوذ ژئوپلیتیکی ایران	سیاست منطقه ای ایران	Journal of Middle Eastern Politics, 7(1)	عمق راهبردی ایران در خاورمیانه: نگاهی نو به پویایی های قدرت	تورباطی، یاسمین (۲۰۱۴)	۶
تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی در تحولات کشورهای	سیاست خارجی و صدور گفتمان	Congressional Research Service	سیاست خارجی ایران و بهار عربی: اثرات انقلاب اسلامی بر خاورمیانه	کاتزمن، کن (۲۰۱۷)	۷

عربی و نقش آن در تقویت محور مقاومت					
--	--	--	--	--	--

منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۴

اهمیت موضوع پژوهش

تحلیل تحولات جغرافیای مقاومت در چارچوب تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این تحول، بازتاب‌دهنده گذار از نگرش صرفاً سرزمینی و دفاعی به رویکردی پویا، چندبعدی و فراملی است که امنیت ملی را با مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک و تمدنی پیوند می‌زند. این موضوع در شرایطی اهمیت بیشتری می‌یابد که تحولات اخیر منطقه، به ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی، نشان داده است الگوی عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران نقشی تعیین‌کننده در بازدارندگی فعال، توسعه نفوذ منطقه‌ای، و ایجاد همبستگی امت اسلامی دارد. از این رو، بررسی این مفهوم نه تنها به فهم بهتر سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی کمک می‌کند، بلکه درک ما از ژئوپلیتیک مقاومت و آینده نظم منطقه‌ای را نیز ارتقاء می‌بخشد.

سؤال پژوهش

تحولات کنونی جغرافیای مقاومت در چارچوب تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی چگونه قابل تبیین است؟

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد که تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی، از طریق گسترش جغرافیای مقاومت و بهره‌گیری از قدرت نرم، شبکه‌های فراملی، و گفتمان امت واحده، توانسته است الگویی نوین از بازدارندگی فعال و نفوذ منطقه‌ای را شکل دهد که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در بستر همبستگی اسلامی و مقابله با نظام سلطه تعریف می‌کند.

رویکرد مفهومی و نظری

عمق راهبردی مفهومی در حوزه نظامی و ژئوپلیتیک است که به فاصله بین خطوط مقدم یک کشور و مراکز حیاتی آن مانند پایتخت، مراکز صنعتی و جمعیتی اشاره دارد و نقش حیاتی در استراتژی دفاعی کشورها ایفا می‌کند، زیرا تعیین می‌کند که کشور تا چه میزان توانایی جذب و پاسخ به حملات دشمن را دارد (Kissinger, 1994). کشورهایی که از عمق راهبردی بیشتری برخوردارند، توانایی مانور دفاعی بیشتری داشته و می‌توانند حملات را دور از مراکز حساس خود مدیریت کنند، در حالی که کشورهایی با عمق کم ناچارند به بازدارندگی یا اتحادهای نظامی متکی باشند (Gray, 1999). از نظر تاریخی، روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی با تکیه بر گستردگی جغرافیایی خود توانستند در برابر حملاتی مانند یورش ناپلئون در ۱۸۱۲ و تهاجم آلمان نازی در ۱۹۴۱ مقاومت کنند (Overy, 1997). رژیم غاصب صهیونیستی با عمق راهبردی محدود، به اتخاذ سیاست‌های تهاجمی و بسیج سریع نیروها مانند آنچه در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ رخ داد، روی آورده است (Mearsheimer, 1983). پاکستان نیز در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تلاش کرد با نفوذ در افغانستان عمق راهبردی علیه تهدید هند ایجاد کند (Rashid, 2000). در دوره جنگ سرد، اتحاد شوروی با ایجاد یک منطقه حائل از طریق پیمان ورشو سعی در ایجاد عمق راهبردی در برابر ناتو داشت (Gaddis, 2005). در نظریه‌های نظامی کلاسیک، کارل فون کلاوزویتس دفاع را شکل قوی‌تر جنگ می‌دانست و نقش عمق را در تقویت توان تدافعی اساسی تلقی می‌کرد (Clausewitz, 1832/1984). هالفورد مکایندر نیز در نظریه قلب زمین، اهمیت تسلط بر مناطق دارای عمق جغرافیایی زیاد مانند اوراسیا را خاطرنشان کرد (Mackinder, 1904). جان میرشایمر نشان داد که نبود عمق راهبردی کشورها را به اتخاذ دکترین‌های تهاجمی سوق می‌دهد (Mearsheimer, 1983).

زبگنیو برژینسکی در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی خود عمق راهبردی را به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت جهانی معرفی کرد (Brzezinski, 1997) و احمد داووداوغلو نیز این مفهوم را در قالبی چندبعدی شامل مؤلفه‌های فرهنگی، تاریخی و دیپلماتیک در سیاست خارجی ترکیه به کار برد (Davutoğlu, 2001). امروزه عمق راهبردی تنها محدود به جغرافیا نیست بلکه

شامل ابعاد سیاسی، فرهنگی، سایبری و روانی نیز می‌شود که در مجموع درک کشورها از تهدیدات و نحوه واکنش آن‌ها را شکل می‌دهد.

مفهوم عمق استراتژیک در گذر زمان دچار تحول مفهومی قابل توجهی شده است، به‌طوری که از یک واژه صرفاً نظامی-جغرافیایی به چارچوبی چند بُعدی تبدیل شده که ابعاد سیاسی، فرهنگی و حتی سایبری را نیز در بر می‌گیرد. در ابتدا، عمق استراتژیک به فاصله فیزیکی میان خطوط مقدم یک کشور و مراکز حیاتی آن اشاره داشت و به‌عنوان فضایی برای جذب حملات و سازماندهی ضدحملات در نظریه‌های نظامی کلاسیک مورد توجه قرار می‌گرفت (Clausewitz, 1832/1984). در قرن بیستم، این مفهوم در چارچوب نظریه‌های ژئوپلیتیکی گسترش یافت؛ برای مثال، نظریه «قلب زمین» هالفورد مک‌کایندر بر مزیت استراتژیک تسلط بر سرزمین‌های پهناور داخلی به‌ویژه در اوراسیا تأکید داشت (Mackinder, 1904). در دوره جنگ سرد، عمق استراتژیک بیشتر از دریچه مناطق حائل و بلوک‌های نفوذی تحلیل می‌شد، جایی که اتحادها و پیمان‌های نظامی نظیر پیمان ورشو برای ایجاد حاشیه امن در برابر دشمن شکل گرفتند (Gaddis, 2005). جان میرشیمر با تکیه بر نظریه بازدارندگی، نشان داد کشورهایی که از عمق جغرافیایی برخوردار نیستند، غالباً به اتخاذ راهبردهای تهاجمی برای پیشگیری از محاصره یا شکست سریع روی می‌آورند (Mearsheimer, 1983). در دوره پس از جنگ سرد، زبگنیو برژینسکی در قالب راهبرد کلان خود، عمق استراتژیک را در چارچوبی فراتر از جغرافیا و با تلفیق نفوذ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به‌عنوان بخشی از شطرنج بزرگ ژئوپلیتیکی تحلیل کرد (Brzezinski, 1997). در این میان، احمد داووداوغلو با اثرگذاری در سیاست خارجی ترکیه، تعریفی نوین از عمق استراتژیک ارائه داد که شامل پیوندهای تاریخی، همبستگی فرهنگی و دامنه دیپلماتیک می‌شد و از یک دکترین صرفاً دفاعی به یک اصل راهبردی برای تعامل منطقه‌ای تبدیل شد (Davutoglu, 2001). تفسیرهای نوین‌تر، حوزه‌هایی مانند فضای سایبری، زنجیره‌های تأمین جهانی و قدرت نرم را نیز به ابعاد عمق استراتژیک افزوده‌اند و بر توانایی کشورها در تاب‌آوری و اعمال نفوذ در بسترهای چندگانه در شرایط بحران یا درگیری تأکید دارند (Gray, 1999; Nye, 2004). این تحول مفهومی، نشان دهنده پیچیدگی فزاینده نظم

جهانی است، جایی که فضا و جغرافیای فیزیکی تنها یکی از مؤلفه‌های بقا و نفوذ استراتژیک به شمار می‌رود.

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی برای شناسایی، کدگذاری و تفسیر نظام‌مند الگوهای معنایی موجود در مجموعه داده‌های متنی استفاده شد. (Schreier, 2012) این تحلیل با رویکرد استقرایی و در مراحل متوالی شامل تعیین واحد تحلیل، توسعه چارچوب کدگذاری و به‌کارگیری تدریجی آن بر داده‌ها انجام گرفت. (Elo & Kyngäs, 2008) در این فرآیند، هم محتوای آشکار - عناصر صریح بیان‌شده - و هم محتوای نهفته - معانی ضمنی استنباط‌شده از متن - مورد توجه قرار گرفت. (Krippendorff, 2018) کدگذاری به‌صورت دستی و با هدف حفظ حساسیت نسبت به بافت داده‌ها انجام شد و مقایسه مستمر میان داده‌ها امکان اصلاح و تکمیل مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها را تا دستیابی به اشباع نظری فراهم ساخت. این روش امکان بررسی دقیق و شفاف داده‌ها را فراهم آورد و تضمین کرد که تفسیرها بر شواهد متنی استوار بوده و روایی و عمق یافته‌های پژوهش ارتقاء یابد.

جغرافیای مقاومت اسلامی و تحولات آن

جغرافیای مقاومت اسلامی در خاورمیانه به طور عمیقی با میراث استعمار و رقابت‌های ژئوپلیتیکی گره خورده و نقشه‌ای پیچیده از جنبش‌هایی را شکل داده است که از نظر ایدئولوژی، راهبرد و پایگاه‌های سرزمینی متفاوت‌اند. یکی از نخستین کانون‌های مقاومت اسلامی در فلسطین شکل گرفت، جایی که گروه‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین در واکنش به اشغال رژیم غاصب صهیونیستی پدید آمدند و در مناطقی چون نوار غزه و بخش‌هایی از کرانه باختری ریشه دواندند و ترکیبی از اسلام سیاسی و مبارزه مسلحانه را پی گرفتند (Milton-Edwards & Farrell, 2010). در لبنان، حزب‌الله به‌عنوان یک گروه مقاومت شیعی قدرتمند با پایگاه‌های مستحکم در جنوب لبنان و حومه جنوبی بیروت ظهور کرد و با بهره‌گیری از حمایت ایران، نقش دوگانه یک حزب سیاسی و نیروی نظامی را ایفا نمود (Norton, 2007). در عراق، پس از تهاجم آمریکا در سال ۲۰۰۳، گروه‌های شبه‌نظامی شیعه نظیر کتائب حزب‌الله و عصائب اهل‌الحق فعالیت خود را در مناطق مرکزی و جنوبی

گسترش دادند و اغلب در هماهنگی با منافع استراتژیک ایران عمل کردند (Mansour & Jabar, 2017). راهبرد مقاومت فرامرزی ایران نقش مهمی در این جغرافیا دارد و از طریق آنچه «محور مقاومت» نامیده می‌شود - ائتلافی غیررسمی شامل حزب‌الله، حماس و گروه‌های عراقی و سوری - به مقابله با نفوذ آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی در منطقه می‌پردازد (Byman, 2008). در یمن نیز، جنبش انصارالله (حوثی‌ها) با وجود موقعیت جغرافیایی متفاوت در شمال یمن به‌ویژه استان صعده، با محور مقاومت هم‌راستایی راهبردی پیدا کرده و با اتخاذ گفت‌وگو با جدولمان ضدسلطه‌جویانه، در برابر نفوذ سعودی و آمریکایی موضع‌گیری کرده است (Juneau, 2016). با گذر زمان، جغرافیای مقاومت از حالت واکنشی و صرفاً منطقه‌ای فراتر رفته و به شبکه‌ای فراملی بدل شده است که از طریق اشتراکات ایدئولوژیک، انتقال تسلیحات، آموزش و استفاده از رسانه‌ها مرزهای جغرافیایی را درنور دیده است (Wehrey, 2018).

در سال‌های اخیر، جغرافیای مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه شاهد تحولات تازه‌ای بوده که نتیجه تحولات سیاسی، نظامی، و فناوری در سطح منطقه‌ای و جهانی است. یکی از مهم‌ترین تغییرات، گسترش نفوذ محور مقاومت از نقاط سنتی مانند لبنان، فلسطین و عراق به مناطقی مانند جنوب سوریه، شرق یمن و حتی مناطق مرزی اردن و عربستان بوده است (Alfoneh, 2022). در سوریه، حضور مستمر گروه‌های مقاومت از جمله نیروهای فاطمیون و زینیون در مناطق دیرالزور، تدمر و حومه دمشق باعث ایجاد یک کریدور زمینی استراتژیک از ایران تا لبنان شده بود (Haid, 2021). در عراق، با وجود فشارهای ایالات متحده و برخی گروه‌های داخلی، سازمان‌های مقاومت مانند حشد الشعبی موفق شده‌اند جایگاه خود را در ساختار امنیتی رسمی کشور تثبیت کرده و کنترل خود را در مناطق نینوا، کرکوک و مناطق مرزی با سوریه گسترش دهند (Mansour, 2023). در لبنان، حزب‌الله با توسعه سامانه‌های موشکی نقطه‌زن و تقویت حضورش در جنوب لبنان و مرزهای جولان، ظرفیت بازدارندگی خود را در برابر رژیم غاصب صهیونیستی ارتقا داده است (International Crisis Group, 2021). در یمن، جنبش انصارالله با تسلط بر مناطق صنعا، صعده، الحیدیه و بخش‌هایی از مارب، به یک بازیگر اصلی در معادلات منطقه‌ای تبدیل شده و توانایی حملات موشکی و پهپادی به عمق خاک عربستان و امارات را افزایش داده است (Juneau, 2022). از منظر فناوری، بهره‌گیری فزاینده از پهپادها، جنگ سایبری،

و عملیات رسانه‌ای دیجیتال توسط گروه‌های مقاومت، مرزهای جغرافیایی سنتی را شکسته و فضای مجازی را به میدان جدیدی برای مقاومت بدل کرده است (Boloorian, 2022). در سطح منطقه‌ای، افزایش همکاری‌های مشترک اطلاعاتی، انتقال تجربه‌های نظامی و هماهنگی‌های عملیاتی میان اعضای محور مقاومت، از جمله در نشست‌های پنهان در بغداد، دمشق و بیروت، نشان‌دهنده انسجام فزاینده این جغرافیای مقاومت است (Fulton et al., 2023).

پس از عملیات طوفان الاقصی توسط حماس علیه اسرائیل آغاز شد و پس از آن واکنش‌های متقابل اسرائیل که شامل حملات سنگین به غزه، لبنان و سوریه بود، جغرافیای مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه وارد مرحله‌ای جدید از تحولات پیچیده شد. این تحولات با توجه به حضور جولانی، فرمانده جبهه النصره، و شهادت سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و نقشه سیاسی و نظامی منطقه را تغییر داد. طوفان الاقصی آغازگر یک مرحله جدید از همبستگی و همکاری در محور مقاومت بود که نه تنها غزه بلکه دیگر جبهه‌های مقاومت را در منطقه درگیر کرد. حماس با این عملیات نشان داد که توانایی اجرای حملات بزرگ و هماهنگ را دارد و می‌تواند از این توانایی برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل در جبهه‌های مختلف استفاده کند. در واکنش به این حملات، رژیم غاصب صهیونیستی به شدت به غزه حمله کرده و تلاش کرد که مقاومت فلسطینی را در هم بشکند. اما این حملات منجر به افزایش هماهنگی و حمایت‌های متقابل میان گروه‌های مقاومت اسلامی در لبنان، سوریه و عراق شد (Fulton et al., 2023). در همین حال، حضور جولانی و اقداماتش در سوریه نیز به تقویت جغرافیای مقاومت کمک کرد. جولانی، که فرمانده جبهه النصره است، توانست از درگیری‌ها در سوریه بهره‌برداری کرده و مناطق تحت کنترل گروهش را گسترش دهد، به ویژه در ادلب و مناطق شمالی سوریه. این مناطق به عنوان نقاط استراتژیک جدید در جغرافیای مقاومت اسلامی نقش‌آفرینی می‌کنند (Lister, 2024). شهادت سید حسن نصرالله نیز تأثیرات عمیقی بر جغرافیای مقاومت اسلامی گذاشت. شهادت ایشان باعث شد که محور مقاومت نه تنها از لحاظ ایدئولوژیکی بلکه از نظر عملیاتی نیز یکپارچگی خود را بیشتر حفظ کند. در عین حال، این موضوع موجب شد که دیگر گروه‌های مقاومت در غزه و سوریه به شدت از یکدیگر حمایت کنند و به ویژه در زمینه تسلیحاتی و

لجستیکی هماهنگی‌های بیشتری داشته باشند (Haid, 2024). در نهایت، جغرافیای مقاومت اسلامی بعد از این تحولات به شبکه‌ای پیچیده‌تر و فرامرزی تبدیل شد. مناطق از غزه و لبنان گرفته تا سوریه و عراق و حتی یمن به بخشی از جبهه متحد مقاومت تبدیل شدند. این جغرافیا دیگر تنها به مبارزه علیه اشغالگری محدود نمی‌شود، بلکه به یک جبهه سیاسی و نظامی فعال برای مقابله با سلطه‌جویی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. همچنین با تحولات اخیر، این جغرافیا به عنوان یک کانون مقاومتی برای احیای اصول اسلامی و مقاومت در برابر استعمار و تسلط غربی و اسرائیلی به عرصه‌ای بسیار مهم‌تر بدل شده است.

یافته ها

مفهوم عمق راهبردی در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی (امام خمینی ره و مقام معظم رهبری مد ظله العالی) به عنوان یک الگوی مفهومی کلیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور یافته است. این مفهوم در بیانات ایشان از چندین لایه معنایی برخوردار است که هم شامل ابعاد سختافزاری (نظامی-امنیتی) و هم نرم افزاری (فرهنگی-هویتی) می شود (امام خمینی ره، ۱۳۶۱؛ امام خامنه ای، ۱۳۹۸). مفهوم عمق راهبردی در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، یک پارادایم راهبردی چندبعدی است که بر اساس چند اصل بنیادین شکل گرفته است:

۱. اصل امت واحده اسلامی: امام خمینی (ره) در سخنرانی تاریخی خود در نوفل‌لوشاتو (۱۳۵۷) تأکید کردند: "تمام مسلمین یک امت هستند... این مرزبندی‌های ساختگی باید از بین برود" (صحیفه امام، جلد ۴: ۱۲۳). این نگاه، بنیان فکری عمق راهبردی را تشکیل می‌دهد.

۲. اصل نفی سلطه: مقام معظم رهبری در تفسیر این مفهوم می‌فرمایند: "عمق راهبردی یعنی ایجاد فضایی که هیچ قدرت استکباری نتواند به حریم امنیتی ما نزدیک شود" (بیانات ۱۴/۰۷/۱۳۹۵).

۳. اصل مقاومت فعال: این مفهوم صرفاً دفاعی نیست، بلکه پویا و تهاجمی است. همانطور که شهید سلیمانی می‌گفت: "دفاع ما از مرزهایمان از بیرون مرزها آغاز می‌شود" (خاطرات سردار سلیمانی، ۱۳۹۷).

در بیانات امام خمینی(ره)، عمق راهبردی عمدتاً بر پایه امت اسلامی به عنوان یک واحد جغرافیای سیاسی فراملی تعریف میشد. ایشان در سخنرانی تاریخی خود در نوفل‌لوشاتو تأکید کردند: "مرزهای اسلام از شرق تا غرب عالم است" (امام خمینی ره، ۱۳۵۷). این نگاه، عمق استراتژیک ایران را در گرو اتحاد جهان اسلام و به ویژه ملت های منطقه می دانست. مفهوم عمق راهبردی در اندیشه امام خمینی(ره) ریشه در الهیات سیاسی شیعه و گفتمان امت اسلامی دارد. ایشان در سخنرانی های متعدد به ویژه در پاریس (۱۳۵۷) با عبارت "ما مرز نمی شناسیم"، جغرافیای سیاسی مقاومت را فراتر از چارچوب های دولت-ملت تعریف کردند. این نگاه در واقع پاسخ به نظم و ستفالیایی حاکم بر نظام بین الملل بود (منتظری قمی، ۱۳۹۵: ۴۷).

امام خمینی (ره) همواره بر ضرورت حمایت از مستضعفان جهان تأکید داشتند. ایشان می فرمایند: «ما باید به فکر مستضعفین جهان باشیم، نه فقط مستضعفین ایران. ما باید اسلام را در جهان تقویت کنیم» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۴۲). این سخن بیانگر نگرشی فراسرزمینی به امنیت و مسئولیت جهانی انقلاب اسلامی است، که می توان آن را خاستگاه نظری عمق راهبردی دانست. در جای دیگری نیز می فرمایند: «اگر مسلمین مجتمع بودند، کسی نمی توانست بر آنها سلطه پیدا کند» (صحیفه امام، ج ۱: ۴۹۵). از منظر امام خمینی ره، اتحاد امت اسلامی و پشتیبانی از مسلمانان جهان نه تنها وظیفه ای دینی بلکه سیاستی عقلانی برای پیشگیری از تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران است. امام خمینی(ره) در سخنرانی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در قم فرمودند: "اسلام مرز نمی شناسد... باید مسلمین از شرق تا غرب عالم بیدار شوند" (صحیفه امام، ج ۳: ۲۴۵).

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، مفهوم «عمق راهبردی» را با صراحت بیشتری در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی وارد کرده اند. ایشان این مفهوم را با رویکردی ژئوپلیتیک شیعی و محور مقاومت بسط دادند. در دیدگاه ایشان: «امروز عمق راهبردی ایران از یمن تا لبنان گسترده است» (امام خامنه ای، ۱۳۹۵). این بیان به وضوح نشاندهنده تحول این مفهوم از سطح ملی به سطح منطقه ای است. در دوره رهبری مقام معظم رهبری، این مفهوم با پیچیدگی های ژئوپلیتیک منطقه ای تطبیق داده شد. بیانات سال ۱۳۷۲ ایشان در جمع فرماندهان سپاه با عنوان «امنیت /فرامرزی، ضرورت /استراتژیک» نشان دهنده تحول این مفهوم

از سطح آرمانی به سطح عملیاتی است. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند: «عمق راهبردی ما به این معناست که جمهوری اسلامی ایران طرفدار مقاومت در هر جای دنیاست؛ هر جا که کسی علیه ظلم و استکبار بایستد، جمهوری اسلامی ایران از او حمایت می‌کند» (بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه، ۲۶/۶/۱۳۹۳). ایشان همچنین تأکید دارند: «اگر در لبنان، سوریه، عراق، یمن و کشورهای دیگر عمق داریم، این عمق راهبردی است که به ما قدرت می‌دهد» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)، ۲/۳/۱۳۹۵). این سخنان نشان‌دهنده درک عمیق ایشان از تأثیرگذار بودن ائتلاف‌های منطقه‌ای در ایجاد بازدارندگی مؤثر در برابر تهدیدات خارجی است. با توجه به بیانات رهبران انقلاب، عمق راهبردی نه تنها یک دکتَرین دفاعی، بلکه بُعدی از گفتمان انقلابی و دینی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. از حمایت از مستضعفان و ایجاد اتحاد در جهان اسلام در اندیشه امام خمینی (ره) تا ایجاد محور مقاومت و نفوذ استراتژیک در منطقه در رهبری امام خامنه‌ای، همگی مؤلفه‌هایی از این راهبرد کلان هستند. عمق راهبردی، از دیدگاه آنان، نه تنها ضامن امنیت ملی بلکه راهی برای صدور پیام انقلاب اسلامی است. مقام معظم رهبری این مفهوم را در بیانیه "گام دوم انقلاب" (۱۳۹۷) بسط دادند: "امروز عمق استراتژیک ایران از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و قلب جهان اسلام را دربرگرفته است" (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری).

جدول ۳. واحد تحلیل و منابع داده

ردیف	توضیحات	منبع داده	واحد تحلیل
۱	شامل سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مصاحبه‌های مربوط به امنیت و مقاومت	بیانات امام خمینی (ره) - صحیفه امام ره	گزاره‌ها و جملات حاوی کلیدواژه «عمق راهبردی»
۲	سخنرانی‌های دیدار با مسئولان، فرماندهان نظامی و مجامع بین‌المللی	بیانات مقام معظم رهبری	گزاره‌ها و جملات حاوی کلیدواژه «جغرافیای مقاومت»
۳	تاکید بر اتحاد جهان اسلام و مقابله با تفرقه	بیانات امام خمینی ره و مقام معظم	نقل قول‌های مرتبط با «امت واحده» و «وحدت

	رهبری	اسلامی	
۴	شامل تحلیل‌های راهبردی و نظامی	بیانات امام خامنه‌ای	گزاره‌های مربوط به «بازدارندگی فعال» و «امنیت فرامرزی»
۵	در زمینه فرهنگ، رسانه و افکار عمومی	بیانات امام خمینی ره و امام خامنه‌ای	گزاره‌های مرتبط با «قدرت نرم» و «گفتمان مقاومت»
۶	واژگانی مانند مقاومت، استکبار، امت اسلامی، جبهه، سلطه	مجموعه بیانات و اسناد تحلیلی	کلیدواژگان و مفاهیم پرتکرار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

جدول ۱ نشان می‌دهد که واحد تحلیل در این پژوهش، گزاره‌ها و جملات کلیدی برگرفته از بیانات امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مفاهیمی همچون «عمق راهبردی»، «جغرافیای مقاومت»، «امت واحده»، «بازدارندگی فعال» و «قدرت نرم» اشاره دارند. این واحدهای تحلیل از منابع اصلی شامل صحیفه امام، مجموعه بیانات رهبر انقلاب، و اسناد مرتبط با گفتمان مقاومت استخراج شده‌اند و علاوه بر محتوای کلام، بافت تاریخی-سیاسی صدور آنها نیز مدنظر قرار گرفته است. این رویکرد موجب می‌شود تحلیل محتوای کیفی بتواند با تمرکز بر جملات و گزاره‌های محوری، هم بُعد معنایی و گفتمانی بیانات را شناسایی کند و هم پیوند آن را با شرایط و تحولات منطقه‌ای درک نماید، به‌گونه‌ای که مقوله‌های مفهومی و کدگذاری نهایی، ریشه در شواهد معتبر و متناظر با شرایط واقعی زمان بیان داشته باشند.

جدول ۴. چارچوب کدگذاری (مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها)

مقوله اصلی	زیرمقوله‌ها	تعریف عملیاتی	نمونه واژگان کلیدی
عمق راهبردی	امنیت فرامرزی، مناطق نفوذ، بازدارندگی فعال	راهبرد چندبعدی شامل حضور و نفوذ	عمق، امنیت ملی، خطوط مقدم،

		فراتر از مرزها	سنگرهای پیشرفته
جغرافیای مقاومت	حوزه‌های جغرافیایی (لبنان، فلسطین، عراق، سوریه، یمن)، پیوند فرهنگی - اعتقادی	گستره سرزمینی و شبکه‌ای محور مقاومت	محور مقاومت، جبهه، سرزمین، امتداد
قدرت نرم	گفتمان‌سازی، رسانه و افکار عمومی، ارزش‌های اسلامی	استفاده از ابزارهای غیرنظامی برای نفوذ و بازدارندگی	فرهنگ، ایمان، روایت، افکار عمومی
شبکه‌های مقاومت	انسجام عملیاتی، همکاری نظامی، پشتیبانی متقابل	ارتباط ساختاری گروه‌های مقاومت منطقه	هماهنگی، عملیات مشترک، حمایت متقابل
همبستگی امت اسلامی	وحدت امت، همکاری گروه‌های مقاومت، هم‌افزایی منطقه‌ای	پیوند ملت‌ها و گروه‌های اسلامی در برابر سلطه	وحدت، امت واحد، برادری اسلامی
تمدن‌سازی	هویت دینی، نظم نوین اسلامی، آینده‌نگری	ایجاد الگوی تمدنی مستقل مبتنی بر اسلام ناب	تمدن نوین، هویت، استقلال
تقابل با نظام سلطه	ضدیت با استکبار، مقابله با صهیونیسم، چالش نظم موجود	مقاومت ساختاری در برابر قدرت‌های سلطه‌گر	استکبار، شیطان بزرگ، سلطه
ژئوپلیتیک مقاومت	توازن قوا، اتحادهای منطقه‌ای، انسجام جبهه مقاومت	استفاده از موقعیت جغرافیایی و سیاسی برای تقویت مقاومت	جغرافیا، توازن، محور مقاومت

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

جدول ۲ چارچوب کدگذاری پژوهش را ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که مفاهیم اصلی بیانات رهبران انقلاب اسلامی در قالب هشت مقوله محوری شامل «عمق راهبردی»،

«جغرافیای مقاومت»، «قدرت نرم»، «شبکه‌های مقاومت»، «همبستگی امت اسلامی»، «تمدن‌سازی»، «تقابل با نظام سلطه» و «ژئوپلیتیک مقاومت» سازمان یافته‌اند. هر یک از این مقوله‌ها به زیرمقوله‌هایی مانند امنیت فرامرزی، حوزه‌های جغرافیایی، گفتمان‌سازی، انسجام عملیاتی، وحدت امت، هویت دینی، ضدیت با استکبار و اتحادهای منطقه‌ای تقسیم شده‌اند که تعاریف عملیاتی آنها بر اساس محتوای بیانات و واژگان کلیدی پرتکرار تعیین شده است. این ساختار کدگذاری به پژوهشگر امکان می‌دهد تا داده‌ها را به صورت نظام‌مند دسته‌بندی کرده و از رهگذر مقایسه و تحلیل، روابط میان ابعاد مختلف گفتمان عمق راهبردی و جغرافیای مقاومت را آشکار سازد.

جدول ۵. نمونه کدگذاری تفصیلی داده‌ها

مفهوم	مقوله اصلی	زیرکد	کد	گزاره یا نقل قول
پیوند امنیت ایران با حمایت جهانی از مظلومان	همبستگی امت اسلامی	مسئولیت جهانی انقلاب	حمایت از مستضعفین	«ما باید به فکر مستضعفین جهان باشیم... هر مستضعفی در هر جای دنیا باید مورد حمایت ما باشد.» (صحیفه امام ره، ج ۳۴۲: ۲۰)
امنیت فرامرزی و بازدارندگی فعال	عمق راهبردی	حضور منطقه‌ای	گستره جغرافیایی مقاومت	«امروز عمق راهبردی ایران از یمن تا لبنان گسترده است.» (۲/۳/۱۳۹۵)
بازدارندگی فرهنگی - ارزشی	قدرت نرم	ارزش‌های اسلامی	سرمایه ایمانی و فرهنگی	«آن چیزی که دشمن را می‌ترساند، فقط موشک نیست؛ ایمان مردم، معرفت مردم، فرهنگ جهاد و شهادت است.» (۱۳/۸/۱۳۹۶)

واکنش هماهنگ فرامرزی	شبکه‌های مقاومت	هماهنگی عملیاتی	انسجام جبهه مقاومت	«حرکت طوفان الاقصی... نشان داد که مقاومت یک کل منسجم در منطقه است.» (۱۷/۷/۱۴۰۲)
چشم‌انداز راهبردی انقلاب	تمدن‌سازی	آینده‌نگری	تمدن نوین اسلامی	«حرکت انقلاب اسلامی، در نهایت باید به تمدن نوین اسلامی منتهی شود.» (۲۱/۹/۱۳۹۱)
مقاومت ساختاری در برابر سلطه‌گران	تقابل با نظام سلطه	ضدیت با استکبار	دشمن‌شناسی	«آمریکا شیطان بزرگ است؛ تمام گرفتاری‌های ملت‌های مسلمان از آمریکا است.» (صحیفه امام ره، ج ۱۲:۲۴۱)
توازن قوا و بازدارندگی منطقه‌ای	ژئوپلیتیک مقاومت	اتحاد منطقه‌ای	انسجام جغرافیایی مقاومت	«امروز جبهه مقاومت... مظهر اراده ملت‌های مستقل است.» (۱۷/۷/۱۴۰۲)
دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای	قدرت نرم	روش‌های غیرنظامی	صدور گفتمان	«ما با فکرمان، با قلم‌مان، با زبان‌مان می‌خواهیم اسلام را به دنیا معرفی کنیم.» (صحیفه امام ره، ج ۱۸:۲۵۹)
بازدارندگی از طریق اتحاد اسلامی	همبستگی امت اسلامی	پیوند ملت‌ها	وحدت امت	«باید همه مسلمانان جهان با هم باشند و یک امت واحد را تشکیل دهند.» (صحیفه امام ره، ج ۹:۲۵۲)

اثرگذاری همزمان در چند جبهه	ژئوپلیتیک مقاومت	هم‌پیمانی عملیاتی	هماهنگی چندجبهه‌ای	«حرکت هماهنگ مقاومت... نمایش وحدت جغرافیایی و راهبردی مقاومت بود.» (۱۰/۸/۱۴۰۲)
-----------------------------------	---------------------	----------------------	-----------------------	--

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴

جدول ۳ کدگذاری تفصیلی داده‌ها را ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه گزاره‌ها و نقل‌قول‌های کلیدی از بیانات امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری به کدها، زیرکدها، مقوله‌های اصلی و مفاهیم تحلیلی تبدیل شده‌اند. در این جدول، هر نقل‌قول معتبر با یک کد مفهومی مشخص، زیرکد مرتبط و مقوله بالادست پیوند خورده و در نهایت به یک مفهوم تحلیلی منتهی شده است؛ برای مثال، گزاره‌هایی درباره «حمایت از مستضعفین» ذیل مقوله «همبستگی امت اسلامی» قرار گرفته‌اند و سخنان مربوط به «گستره جغرافیایی مقاومت» ذیل «عمق راهبردی» کدگذاری شده‌اند. این فرایند کدگذاری، پیوند میان متن و مقوله را شفاف می‌سازد و امکان بازسازی نظام‌مند ساختار مفهومی بیانات رهبران انقلاب را فراهم می‌کند، به گونه‌ای که تحلیل نهایی بر شواهد مستقیم و مستند متکی باشد.

تحلیل تحولات جغرافیای مقاومت

تحولات جغرافیایی عمق راهبردی محور مقاومت اسلامی در خاورمیانه پس از طوفان الاقصی و متعاقب آن تهاجم رژیم غاصب صهیونیستی به غزه، لبنان و سوریه در چارپوب مدل مفهومی عمق راهبردی مقاومت در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی اسلامی در ابعاد ذیل قابل تحلیل است؛

۱- ایجاد حوزه نفوذ راهبردی فراتر از مرزهای جغرافیایی

تحولات اخیر در منطقه متعاقب عملیات طوفان الاقصی در مهرماه ۱۴۰۲ (اکتبر ۲۰۲۳) که با واکنش تهاجمی رژیم صهیونیستی علیه مردم مظلوم غزه و گسترش آن به لبنان و سوریه همراه بود، نشان داد که مفهوم عمق راهبردی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی فقط یک ابزار دفاعی نیست، بلکه یک راهبرد فعال در بازدارندگی و مقابله با پروژه‌های توسعه‌طلبانه و

اشغال‌گرایانه است. امام خمینی (ره) تأکید داشتند که انقلاب اسلامی تنها محدود به جغرافیای ایران نیست و دفاع از مظلومان و مقابله با مستکبران جهانی وظیفه‌ای اسلامی و انقلابی است. ایشان می‌فرمایند: «ما باید به فکر مستضعفین جهان باشیم... نه تنها مسلمان‌ها، بلکه هر مستضعفی در هر جای دنیا باید مورد حمایت ما باشد» (صحیفه امام ره، ج ۲۰: ۳۴۲).

از این منظر، انقلاب اسلامی وظیفه دارد با ایجاد پیوندهای فرامنطقه‌ای با ملت‌های درگیر ظلم، جبهه‌ای جهانی علیه استکبار بسازد. همچنین در یک موضع‌گیری صریح دیگر، ایشان می‌فرمایند: «تا شرک و کفر هست، مبارزه هست؛ و تا مبارزه هست، ما هستیم» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۸۶). بر این اساس، پایداری انقلاب اسلامی نه در انزوا، بلکه در اتصال با مبارزات جهانی علیه ظلم و اشغالگری معنا پیدا می‌کند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز به‌طور مشخص به مسئله عمق راهبردی اشاره کرده و از آن به‌عنوان یک محور اساسی قدرت جمهوری اسلامی یاد می‌کنند. ایشان در سخنرانی خود فرمودند: «عمق راهبردی ما در واقع سنگرهای پیشرفته‌ی امنیت ملی ما هستند» (بیانات در دانشگاه امام حسین (ع)، ۲/۳/۱۳۹۵).

با توجه به این دیدگاه، حضور مقاومت در غزه، لبنان، سوریه، عراق و یمن نه مداخله‌گری، بلکه جزئی از معماری امنیتی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. در پی تحولات مربوط به طوفان الاقصی نیز، رهبر انقلاب با صراحت فرمودند: این حادثه نشان داد که ملت فلسطین زنده است، مقاومت زنده است... و این جبهه، امروز یک مجموعه به‌هم‌پیوسته در تمام منطقه است» (بیانات در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت، ۱۷/۷/۱۴۰۲). این سخن به وضوح نشان می‌دهد که مرزهای جغرافیایی در دفاع از حقیقت و عدالت، قید نیستند، بلکه جمهوری اسلامی ایران خود را جزئی از جبهه مقاومت می‌داند و حضور راهبردی در این محور را الزامی برای حفظ عزت و امنیت خود و ملت‌های منطقه می‌داند. در پرتو عملیات طوفان الاقصی و گسترش آن به جبهه‌های مقاومت در لبنان و سوریه، سیاست راهبردی ایران بر پایه این اندیشه استوار است که بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی و حامیان غربی‌اش، تنها در داخل مرزها ممکن نیست. به عبارت دیگر، دفاع از غزه و جنوب لبنان، نه صرفاً یک حمایت سیاسی، بلکه بخشی از معادله امنیت ملی ایران به شمار می‌آید. در اندیشه رهبران انقلاب، جغرافیای مقاومت، عمق امنیت ایران است. با نگاهی به بیانات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، می‌توان نتیجه گرفت که حوزه نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی ایران،

یک سیاست فعال برای پیشگیری از تهدیدات، حمایت از مستضعفان و حفظ محور مقاومت در منطقه است. تحولات پس از طوفان الاقصی تأکیدی دوباره بر این اصل است که امنیت جمهوری اسلامی ایران، به امنیت امت اسلامی و مظلومان در غزه، لبنان، سوریه و دیگر نقاط پیوند خورده است.

۲- قدرت نرم

در اندیشه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، قدرت نرم نه یک ابزار ثانویه، بلکه رکن اصلی تحقق عمق راهبردی انقلاب اسلامی است. پس از طوفان الاقصی، این مؤلفه نقش تعیین‌کننده‌ای در جنگ اراده‌ها، روایت‌ها و تصویرسازی بین‌المللی ایفا کرده و نشان داده است که صدور انقلاب، با فرهنگ و ایمان و نه صرفاً با سلاح، ممکن و مؤثر است. در پرتو حوادث اخیر، جمهوری اسلامی ایران نه تنها از طریق پشتیبانی نظامی از محور مقاومت، بلکه با بسیج رسانه‌ای، فرهنگی، و ارزشی توانسته حوزه نفوذ خود را فراتر از مرزها گسترش دهد. در همین راستا، پوشش جهانی از جنایات رژیم غاصب صهیونیستی در غزه، کمپین‌های افشاگرانه در فضای مجازی، اعتراضات دانشجویی و مردمی در اروپا و آمریکا، نشان می‌دهد که قدرت نرم انقلاب اسلامی امروز به یک نیروی بازدارنده تبدیل شده است. گفتمان عدالت‌خواهی، مقاومت، و حمایت از مظلومان، همان سرمایه‌های قدرت نرم ایران هستند که رهبران انقلاب آن را بنیان‌گذاری و تثبیت کرده‌اند.

امام خمینی (ره) قدرت نرم را در قالب گفتمان‌سازی و صدور انقلاب از طریق ارزش‌ها، ایمان، و حق‌طلبی بیان می‌کنند. ایشان تصریح می‌کنند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا إله إلا الله و محمد رسول الله در تمام جهان طنین نیفتد، مبارزه هست» (صحیفه امام ره، ج ۳: ۴۵۰). در این سخن، تأکید امام خمینی بر صدور محتوای فرهنگی، ارزشی و ایمانی انقلاب اسلامی آشکار است؛ صدوری که نه از طریق ارتش، بلکه از راه ایده‌ها و آرمان‌ها صورت می‌گیرد. همچنین ایشان می‌فرمایند: «ما با فکرمان، با قلم‌مان، با زبان‌مان می‌خواهیم اسلام را به دنیا معرفی کنیم» (صحیفه امام ره، ج ۲۵۹: ۱۸). این جمله نشان‌دهنده ایمان عمیق ایشان به قدرت نرم در تغییر معادلات جهانی است؛ امری که امروز در قلب مبارزات رسانه‌ای و فرهنگی علیه رژیم صهیونیستی دیده می‌شود.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز بارها به اهمیت قدرت نرم در ایجاد عمق راهبردی پایدار اشاره کرده‌اند. ایشان در یکی از سخنان خود می‌فرمایند: «آن چیزی که دشمن را می‌ترساند، فقط موشک نیست؛ ایمان مردم، معرفت مردم، ایستادگی ملت ایران، فرهنگ جهاد و شهادت است» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان، ۱۳۹۶/۸/۱۳). در اینجا قدرت نرم نه تنها مکمل قدرت سخت، بلکه زیربنای اصلی مقاومت معرفی می‌شود. در پی حوادث طوفان الاقصی نیز، رهبر انقلاب تأکید کردند که: «پیروزی مقاومت، ابتدا پیروزی روایت است؛ وقتی دنیا صدای مظلوم را شنید، رژیم صهیونیستی شکست خورد» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۰۲/۷/۱۷). این بیان دقیق‌ترین مصداق از کارکرد قدرت نرم در جنگ روایت‌ها است؛ یعنی زمانی که افکار عمومی جهانی علیه جنایت‌های رژیم غاصب صهیونیستی تحریک می‌شود، قدرت نرم مقاومت کارکرد راهبردی پیدا می‌کند. تحولات پس از عملیات طوفان الاقصی، نه تنها یک جنگ نظامی را در منطقه شعله‌ور کرد، بلکه جنگ روایت‌ها و ایده‌ها را نیز به اوج رساند. در چنین شرایطی، قدرت نرم به‌عنوان یکی از ابزارهای حیاتی برای نفوذ، اقناع، مشروعیت‌بخشی، و بسیج افکار عمومی جهان اسلام، در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی برجسته‌تر از گذشته جلوه‌گر شد.

۳- شبکه‌های مقاومت

در جریان تحولات منطقه پس از عملیات طوفان الاقصی واکنش چندلایه و سازمان‌یافته گروه‌های مقاومت در غزه، کرانه باختری، جنوب لبنان، سوریه و عراق نشان داد که انقلاب اسلامی ایران، طی چهار دهه گذشته، موفق به ایجاد یک شبکه مقاومتی فراتر از مرزهای جغرافیایی شده است. این شبکه، در واقع تجلی عملی عمق راهبردی انقلاب اسلامی است که بنیان‌های نظری و ارزشی آن را امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تبیین کرده‌اند. امام خمینی (ره) از آغاز، اصل حمایت از مظلوم و مقابله با مستکبر را به‌عنوان ستون فکری انقلاب اسلامی مطرح کردند. ایشان تصریح می‌کنند: «ما باید در مقابل جهانخواران بایستیم؛ تا شرک و کفر هست، مبارزه هست، و تا مبارزه هست، ما هستیم» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۸۶). در این بیان، مفهوم مبارزه نه تنها یک وظیفه داخلی، بلکه مأموریتی جهانی است که با تشکیل هسته‌های مقاومت، عینیت پیدا می‌کند. همچنین می‌فرمایند: «ما باید دست تمام مستضعفان را در سراسر جهان بفشاریم» (صحیفه امام ره، ج ۲۰: ۳۴۲). این دیدگاه، بنیان فکری شبکه‌ای از

نیروهای متعهد، مؤمن و مقاوم را فراهم کرد که در مقابل امپریالیسم جهانی و صهیونیسم ایستادگی کنند. رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در راستای همان گفتمان، ساختار شبکه‌ای مقاومت منطقه‌ای را به‌عنوان بخشی از عمق راهبردی جمهوری اسلامی تبیین می‌کند. ایشان در بیانی آشکار می‌فرمایند: «عمق راهبردی ما، در گرو پیوند عمیق با جبهه مقاومت است؛ لبنان، سوریه، فلسطین، عراق و یمن، سنگرهای پیشرفته ما هستند» (بیانات در دانشگاه امام حسین (ع)، ۲/۳/۱۳۹۵). در این سخن، شبکه‌های مقاومت نه صرفاً هم‌پیمانان منطقه‌ای، بلکه امتداد طبیعی و راهبردی امنیت ملی ایران معرفی می‌شوند. پس از طوفان الاقصی نیز، معظم‌له تأکید کردند: «حمله مقاومت فلسطین، نشان داد که مقاومت یک کل منسجم در منطقه است؛ امروز این جبهه، از فلسطین تا لبنان، تا عراق و یمن، جبهه واحدی است» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۷/۷/۱۴۰۲). از این منظر، عملکرد هماهنگ گروه‌های مقاومت، محصول یک مهندسی استراتژیک مبتنی بر پیوندهای ایمانی، فرهنگی و عملیاتی است که انقلاب اسلامی آن را هدایت کرده است.

در عمل، واکنش‌های هم‌زمان گروه‌هایی مانند حماس، جهاد اسلامی، حزب‌الله لبنان، کتائب حزب‌الله عراق، انصارالله یمن و نیروهای مقاومت سوری، نشان داد که امروز با یک ساختار شبکه‌ای غیرمتمرکز ولی منسجم مواجه هستیم که قدرت بازدارندگی چندلایه‌ای را برای جمهوری اسلامی فراهم می‌سازد. این شبکه‌ها، حامل گفتمان انقلابی‌اند و ضمن برخورداری از استقلال عملیاتی، در یک منظومه گفتمانی و راهبردی قرار دارند. در نتیجه، هرگونه تهدید علیه یکی از اعضای این شبکه، با واکنش زنجیره‌ای دیگر بخش‌ها مواجه می‌شود و همین امر، مفهوم عمق راهبردی دفاعی در اندیشه رهبران انقلاب را از سطح جغرافیا به سطح عقیده و مقاومت ارتقا می‌دهد. در اندیشه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، شبکه‌های مقاومت منطقه‌ای نه فقط ابزار سیاسی، بلکه مؤلفه‌های حیاتی عمق راهبردی جمهوری اسلامی هستند. پس از طوفان الاقصی، این شبکه با کنش‌های هم‌زمان و مؤثر، نشان داد که راهبرد انقلاب اسلامی در امت‌سازی، همبستگی فراملی، و مقاومت فراسرزمینی، موفق عمل کرده و تهدید را از مرزهای ملی به کیلومترها دورتر منتقل کرده است.

۴- همبستگی امت اسلامی

تحولات گسترده پس از عملیات طوفان الاقصی و واکنش‌های جهانی به تهاجمات رژیم صهیونیستی علیه غزه، لبنان و سوریه، بار دیگر مسئله همبستگی امت اسلامی را به عنوان یک ابزار راهبردی در سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در کانون توجه قرار داد. در اندیشه رهبران انقلاب، این همبستگی نه تنها آرمانی اسلامی، بلکه ابزاری برای تولید قدرت ژئوپلیتیکی و گسترش عمق راهبردی است. امام خمینی (ره) بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت نبوی، اتحاد مسلمانان را محور مقابله با استعمار، استکبار و صهیونیسم می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «اگر مسلمان‌ها با هم متحد بودند، آمریکا و شوروی و بالاتر از آنها هم نمی‌توانستند به آنها طمع کنند» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۲۸۶). همچنین در جای دیگر تأکید دارند: «بر همه مسلمانان واجب است که با یکدیگر تفاهم کنند و دست استعمار و صهیونیسم را از سرزمین‌های اسلامی کوتاه کنند» (صحیفه امام، ج ۱: ۲۵۲). در این رویکرد، همبستگی امت اسلامی نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه ابزار مقابله با نظام سلطه و پیش‌شرط استقلال جوامع اسلامی معرفی می‌شود؛ و این دقیقاً بخشی از بستر نظری عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با گسترش مفهومی و سیاسی همین دیدگاه، همبستگی امت اسلامی را به عنوان نظام هماهنگ مقاومت در برابر استکبار جهانی تعریف می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «امت اسلامی یک حقیقت زنده است؛ باید این پیکره عظیم، با محوریت قرآن و اسلام، به هویت واحد خود بازگردد» (بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۵/۹/۲۷). و در بیانی دیگر تصریح می‌کنند: «هرجا امت اسلامی به وحدت نزدیک شده، دشمن عقب‌نشینی کرده است؛ و هرجا اختلاف افتاده، میدان برای نفوذ دشمن باز شده است» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس نماز جمعه، ۱۳۹۷/۱۰/۱۸). در پرتو حوادث پس از طوفان الاقصی، این نگاه راهبردی بیشتر معنا می‌یابد؛ زیرا تظاهرات گسترده در کشورهای اسلامی و غیراسلامی، اتحاد گروه‌های مقاومت، و هم‌افزایی رسانه‌ای میان ملت‌های مسلمان، همگی نشانگر تحقق عملی این عمق راهبردی هستند. پس از حمله بی‌سابقه مقاومت فلسطین به سرزمین‌های اشغالی در قالب طوفان الاقصی، موجی از همبستگی اسلامی در جهان شکل گرفت. از واکنش‌های خیابانی در اردن، مصر، ترکیه، عراق، یمن و ایران گرفته تا همراهی سیاسی برخی دولت‌ها و حضور رسانه‌ای

فعال مسلمانان در غرب، همگی بیانگر این واقعیت‌اند که همبستگی امت اسلامی امروز به ابزاری مؤثر برای بازدارندگی و مشروعیت‌بخشی به جبهه مقاومت تبدیل شده است. در این فضا، انقلاب اسلامی به‌عنوان محور این وحدت و بیداری اسلامی، نقش راهبردی ایفا کرده است؛ به‌گونه‌ای که رهبری جمهوری اسلامی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در تقویت گفتمان مشترک امت و اتصال گروه‌ها و ملت‌های مسلمان نقش محوری دارد.

در اندیشه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، همبستگی امت اسلامی نه صرفاً یک شعار وحدت‌گرایانه، بلکه مؤلفه‌ای فعال و حیاتی در تولید قدرت نرم و سخت و گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی است. تحولات پس از طوفان الاقصی نشان داد که هرگاه امت اسلامی به وحدت نزدیک شود، دشمن در انزوا و ضعف قرار می‌گیرد. این همبستگی، امروز بخشی از هندسه دفاعی انقلاب اسلامی در برابر نظام سلطه جهانی است.

۵- تمدن سازی

در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، پروژه تمدنی یک مؤلفه بنیادین عمق راهبردی جمهوری اسلامی است. این پروژه، با گسترش گفتمان مقاومت، عدالت‌خواهی، هویت دینی و خودباوری در میان ملت‌های مسلمان، به‌ویژه پس از رخدادهایی مانند طوفان الاقصی، در حال تثبیت است. چنین نگاهی، انقلاب اسلامی را نه‌فقط به‌عنوان یک پدیده ایرانی، بلکه به‌مثابه هسته تمدنی برای آینده جهان اسلام و الگوی جدیدی از نظم جهانی مطرح می‌سازد. رخدادهایی نظیر عملیات طوفان الاقصی و موج متعاقب آن درگیری‌ها و مقاومت منطقه‌ای، نمایانگر آن است که انقلاب اسلامی صرفاً یک پروژه سیاسی یا امنیتی نیست، بلکه تبلور یک پروژه تمدنی نوین بر پایه اسلام ناب محمدی (ص) است که در پی بازسازی هویت امت اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی و دگرگونی نظم جهانی سلطه‌محور می‌باشد. در اندیشه رهبران انقلاب، این پروژه تمدنی، در واقع مهم‌ترین رکن عمق راهبردی بلندمدت انقلاب اسلامی است. امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را نه‌تنها برای تغییر یک نظام سیاسی، بلکه آغازگر یک حرکت جهانی برای تحول تمدنی می‌داند. ایشان در بیانیه‌ای بنیادین می‌فرمایند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و اسلام مرز نمی‌شناسد» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۴۲). در همین راستا، ایشان معتقد بودند که انقلاب اسلامی

ایران مقدمه‌ای است برای بیداری ملت‌های مسلمان و پایه‌ریزی تمدنی که سلطه مستکبران را از میان برمی‌دارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای، در امتداد اندیشه امام خمینی، مسئله تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان هدف راهبردی نظام اسلامی معرفی می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «حرکت انقلاب اسلامی، در نهایت باید به تمدن نوین اسلامی منتهی شود؛ این تمدن، تکیه‌گاه امت اسلامی در برابر تمدن غرب خواهد بود» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۱/۹/۱۳۹۱). در تحلیل ایشان، مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی شامل: (۱) انقلاب، (۲) نظام‌سازی، (۳) دولت‌سازی، (۴) جامعه‌سازی، و (۵) تمدن‌سازی است (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱/۳/۱۳۹۸). این فرآیند، ابعاد فرهنگی، اقتصادی، علمی و اخلاقی دارد که هرکدام بخشی از عمق راهبردی نرم‌افزاری جمهوری اسلامی را شکل می‌دهند. تحولات پس از طوفان الاقصی نشان داد که الگوی تمدنی انقلاب اسلامی در حال گسترش است. حضور مؤثر و هماهنگ گروه‌های مقاومت در فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و یمن، نه تنها نتیجه پشتیبانی سیاسی یا نظامی جمهوری اسلامی است، بلکه نشان‌دهنده عمق گفتمانی و تمدنی انقلاب در جوامع مسلمان است. رهبر انقلاب در واکنش به این رخداد فرمودند: «این حرکت عظیم، نشان داد که امت اسلامی زنده است و تمدن‌سازی اسلامی دیگر یک رؤیا نیست، بلکه در حال شکل‌گیری است» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۷/۷/۱۴۰۲). بنابراین، عمق راهبردی انقلاب اسلامی در این مرحله، صرفاً به امنیت پیرامونی محدود نیست؛ بلکه به دنبال ایجاد تمدنی چندبُعدی، مستقل از تمدن غرب و مبتنی بر هویت اسلامی است که در جبهه مقاومت و ملت‌های مسلمان نمود یافته است.

۶- گفتمان امت واحده

در اندیشه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، گفتمان امت واحده یکی از مؤلفه‌های بنیادین عمق راهبردی انقلاب اسلامی است. این گفتمان، به‌ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی، شکل عملیاتی به خود گرفته و در قالب همگرایی گروه‌های مقاومت، هم‌افزایی رسانه‌ای جهان اسلام و تظاهرات گسترده مردمی، خود را نشان داده است. امت واحده امروز نه فقط یک ایده اسلامی، بلکه ابزاری برای ایجاد بازدارندگی در برابر دشمن مشترک و تولید قدرت فراسرزمینی برای جهان اسلام است.

تحولات پس از عملیات طوفان الاقصی که با پاسخ‌های هماهنگ گروه‌های مقاومت در غزه، لبنان و سوریه همراه بود، بار دیگر نشان داد که گفتمان امت واحده یکی از مؤلفه‌های راهبردی انقلاب اسلامی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. این گفتمان، در اندیشه رهبران انقلاب، نه صرفاً یک ایده آرمانی، بلکه ابزاری عملیاتی در گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی و شکل‌دهی به نظم نوین اسلامی است. امام خمینی (ره) بر پایه آموزه‌های قرآنی، وحدت امت اسلامی را عامل بقای اسلام و شکست دشمنان می‌دانستند. ایشان صریحاً فرموده‌اند: «باید همه مسلمانان جهان با هم باشند و یک امت واحده را تشکیل دهند؛ اگر این‌طور شد، احدی به آنها طمع نمی‌کند» (صحیفه امام، ج ۹: ۲۵۲). در اندیشه ایشان، شکل‌گیری امت واحده اسلامی، مقدمه‌ای برای نجات ملت‌ها از سلطه استعمار و صهیونیسم جهانی است. امام خمینی معتقد بودند که با ایجاد امت واحده، می‌توان «اسلام را به عنوان یک قدرت جهانی» بازتعریف کرد (صحیفه امام، ج ۲۰: ۱۴۴).

رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان امت واحده را نه تنها یک شعار دینی، بلکه استراتژی نجات‌بخش جهان اسلام از تفرقه، سلطه‌پذیری و غرب‌زدگی می‌دانند. ایشان تأکید می‌کنند: «امت اسلامی اگر متحد باشد، تبدیل به یک قدرت بزرگ خواهد شد؛ این، هم در قرآن آمده، هم تجربه تاریخی آن را اثبات کرده است» (بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۷/۵/۸). در تحلیل ایشان، امت واحده، زیربنای جبهه مقاومت و پیش‌نیاز تمدن نوین اسلامی است. این گفتمان، از دیدگاه رهبری، ظرفیت تحقق وحدت استراتژیک میان دولت‌ها، ملت‌ها و گروه‌های مقاومت را دارد؛ خصوصاً در مواجهه با دشمنی مانند رژیم صهیونیستی. پس از طوفان الاقصی، آنچه در میدان دیده شد - از همراهی همزمان حماس، جهاد اسلامی، حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و نیروهای مقاومت در عراق و سوریه - نشان‌دهنده عملیاتی شدن گفتمان امت واحده بود. امام خامنه‌ای در این زمینه تصریح کردند: «حرکت طوفان الاقصی و واکنش جهانی به آن نشان داد که دل‌های مسلمانان در نقاط مختلف جهان به هم نزدیک شده است؛ این، همان امت واحده‌ای است که اسلام نوید آن را داده است» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۲/۷/۱۷). گفتمان امت واحده، با پیوند دادن هویت اسلامی، مقاومت مشترک و سرنوشت تاریخی یکسان، به

یکی از پایه‌های تولید عمق راهبردی جمهوری اسلامی تبدیل شده است؛ عمقی که نه فقط نظامی، بلکه گفت‌مانی، هویتی و تمدنی است.

۷- تقابل با نظام سلطه

در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، تقابل با نظام سلطه یکی از بنیادهای عمق راهبردی جمهوری اسلامی است. این تقابل نه فقط یک تقابل سیاسی، بلکه جریانی تمدنی و راهبردی برای رهایی ملت‌ها از سلطه‌پذیری است. حوادث پس از طوفان الاقصی نشان داد که عمق راهبردی انقلاب اسلامی در عرصه مقاومت و مقابله با سلطه جهانی فعال شده و توانسته است بخشی از نظم جهانی مبتنی بر سلطه را به چالش بکشد. تحولات میدانی و سیاسی پس از عملیات طوفان الاقصی و تجاوزات گسترده رژیم صهیونیستی به محور مقاومت، بار دیگر نمایان کرد که نظام سلطه جهانی، به رهبری آمریکا و صهیونیسم، در برابر شکل‌گیری هرگونه گفت‌وگو مستقل و ضد استکباری، صف‌آرایی می‌کند. در این چارچوب، تقابل با نظام سلطه در اندیشه رهبران انقلاب، صرفاً یک موضع‌گیری سیاسی نیست، بلکه یک راهبرد تمدنی، اخلاقی و امنیتی برای شکل‌گیری عمق راهبردی جمهوری اسلامی است. امام خمینی (ره)، از ابتدای نهضت اسلامی، اصلی‌ترین دشمن امت اسلامی را نظام سلطه غربی به رهبری آمریکا و صهیونیسم معرفی کردند. ایشان می‌فرمایند: «آمریکا شیطان بزرگ است؛ تمام گرفتاری‌های ملت‌های مسلمان از آمریکا است. باید از سلطه آن نجات پیدا کنیم» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۴۱). در منظومه فکری ایشان، تقابل با نظام سلطه، شرط اصلی استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملت‌هاست. امام خمینی، انقلاب اسلامی را آغازگر جنبشی جهانی برای شکستن سلطه نظام سرمایه‌داری و نجات ملت‌ها از بند استکبار می‌دانستند.

رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، با صراحت از واژه‌های «نظام سلطه»، «نظم جهانی ظالمانه» و «شبکه سلطه‌گر» برای توصیف ساختار قدرت جهانی استفاده کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «نظام سلطه یعنی یک ساختار بین‌المللی که در آن چند کشور قدرتمند برای تأمین منافع خود، ملت‌ها را زیر سلطه نگه می‌دارند؛ انقلاب اسلامی آمده است که این ساختار را به چالش بکشد» (بیانات در دیدار نخبگان علمی، ۱۷/۷/۱۳۹۸). از منظر ایشان، مقاومت در برابر این ساختار، ضامن بقا و گسترش انقلاب اسلامی و عمق راهبردی آن در سطح منطقه‌ای و

فرامنطقه‌ای است. این مقاومت در قالب حمایت از جبهه مقاومت، مقابله با صهیونیسم، و ترویج بیداری اسلامی نمود دارد.

پس از عملیات طوفان الاقصی، نظم جهانی سلطه‌محور با چالش بزرگی مواجه شد؛ چرا که مجموعه‌ای از گروه‌های مقاومت تحت الهام‌پذیری از انقلاب اسلامی، در مقابل مظهر عینی نظام سلطه یعنی رژیم صهیونیستی به میدان آمدند. رهبر انقلاب در این باره فرمودند: «حرکت طوفان الاقصی، شکست نماد سلطه جهانی بود؛ آمریکا و اروپا با تمام توان از صهیونیسم دفاع کردند، ولی مقاومت، آنها را به زانو درآورد» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۷/۷/۱۴۰۲). این رخداد، نشان داد که عمق راهبردی انقلاب اسلامی در تقابل با سلطه، تنها در سطح نظری نیست، بلکه در میدان مقاومت، سیاست، رسانه و افکار عمومی جهان اسلام تجلی یافته است.

۸- ژئوپلیتیک مقاومت

در اندیشه رهبران انقلاب، ژئوپلیتیک مقاومت یک طرح کلان برای بسط نفوذ معنوی و گفتمانی انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای است. این ژئوپلیتیک، با محوریت حمایت از مستضعفان، ایستادگی در برابر سلطه، و ایجاد شبکه‌ای از بازیگران هم‌راستا، عمق راهبردی جمهوری اسلامی را نه در چارچوب مرزهای جغرافیایی، بلکه بر اساس پیوندهای اعتقادی، هویتی و راهبردی تعریف می‌کند. حوادث پس از طوفان الاقصی نشان داد که این ژئوپلیتیک اکنون در میدان قدرت و بازدارندگی فعال است. با آغاز عملیات طوفان الاقصی و به دنبال آن واکنش‌های هماهنگ از سوی گروه‌های مقاومت در غزه، لبنان، سوریه، عراق و یمن، یک بار دیگر ژئوپلیتیک مقاومت به‌عنوان بازوی راهبردی انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی خود را نمایان ساخت. در منظومه فکری رهبران انقلاب، ژئوپلیتیک مقاومت نه تنها ابزاری برای دفاع از مظلومان بلکه سازوکاری برای توسعه عمق راهبردی انقلاب اسلامی و ایجاد توازن قوا در برابر نظام سلطه است.

امام خمینی (ره) با طرح ایده صادرات انقلاب اسلامی و حمایت از مستضعفین، بنیان نظری ژئوپلیتیک مقاومت را پی‌ریزی کردند. ایشان فرمودند: «ما باید در مقابل مستکبران بایستیم و از مظلومین عالم دفاع کنیم؛ این وظیفه اسلامی ماست» (صحیفه امام، ج ۳۶۸: ۱۵). این نگرش، زمینه‌ساز حمایت جمهوری اسلامی از جنبش‌های آزادی‌بخش و مقاومت اسلامی شد. امام

خمینی با تأکید بر پیوند «اسلام، سیاست و جهاد»، نقشه راهی برای شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی فراتر از مرزهای ایران ترسیم کردند (همان، ج ۲۸: ۲۱). رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با تأکید بر «گسترش هندسه قدرت مقاومت»، بارها ژئوپلیتیک مقاومت را زیرساخت امنیت ملی، انسجام امت اسلامی و مقابله با سلطه‌طلبی غرب دانسته‌اند: «امروز جبهه مقاومت از ایران تا فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن و حتی فراتر از این مناطق گسترده شده است؛ این جبهه، قدرت‌نمایی اسلام و مظهر اراده ملت‌های مستقل است» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۲/۷/۱۷). از منظر ایشان، ژئوپلیتیک مقاومت، یک پروژه سیاسی-امنیتی نیست، بلکه ساختار هویتی امت اسلامی است که با تکیه بر آرمان عدالت، ایستادگی، استقلال و نفی سلطه شکل گرفته است. تحولات پس از طوفان الاقصی، نشان‌دهنده انسجام عملیاتی و ژئوپلیتیکی گروه‌های مقاومت بود. از غزه تا صعدة، از جنوب لبنان تا دیرالزور، هم‌صدایی و هم‌پیمانی بازیگران محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی و حامیان غربی‌اش، مصداق کامل تحقق «عمق راهبردی انقلاب اسلامی» در قالب ژئوپلیتیک مقاومت است. رهبر انقلاب با اشاره به این تحول فرمودند: «حرکت هماهنگ مقاومت از چندین جبهه در پاسخ به جنایات صهیونیست‌ها، نمایش وحدت جغرافیایی و راهبردی مقاومت بود؛ این همان چیزی است که دشمنان را به هراس انداخته است» (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۴۰۲/۸/۱۰).

نتیجه‌گیری

تحلیل تحولات جغرافیای مقاومت در چارچوب تحول مفهومی عمق راهبردی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این مفهوم مسیر تکاملی چشمگیری را پیموده است. در گذر زمان، نگرش محدود به مرزهای فیزیکی و دفاع سرزمینی جای خود را به درکی جامع‌تر و پویاتر داده که ابعاد مختلفی از قدرت را در بر می‌گیرد. این تحول مفهومی که ریشه در اندیشه‌های امام خمینی (ره) و تداوم آن در بیانات مقام معظم رهبری دارد، از رویکردی صرفاً نظامی و امنیتی فراتر رفته و به سمت الگویی چندبعدی حرکت کرده است. در این مسیر تحولی، عمق راهبردی دیگر صرفاً به معنای فاصله جغرافیایی از مرزها یا برخورداری از مناطق حائل نیست، بلکه به ظرفیت‌های نرم و شبکه‌های پیچیده ارتباطی در سطح منطقه و

جهان اسلام توجه دارد. این مفهوم اکنون شامل مؤلفه های فرهنگی، ایدئولوژیک و تمدنی می شود که در قالب گفتمان مقاومت و امت واحده اسلامی تجلی یافته است. شاهد این تحول را می توان در گسترش جغرافیای مقاومت از محدوده مرزهای ملی ایران به سرزمین هایی مانند فلسطین، لبنان، عراق، سوریه و یمن مشاهده کرد. رهبران انقلاب همواره بر این نکته تأکید داشته اند که امنیت و منافع ملی ایران از طریق پیوند با جبهه مقاومت و امت اسلامی تأمین می شود. این نگرش، عمق راهبردی را از چارچوب تنگ ملی گرایی فراتر برده و آن را در بستر وسیع تری از همبستگی اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی تعریف می کند. در این چشم انداز، قدرت نرم، ظرفیت های رسانه ای و فرهنگی، شبکه های مردمی و پیوندهای فراملی بیشتر از توانایی های نظامی اهمیت یافته اند. تجربه سال های اخیر به ویژه پس از رویدادهایی مانند طوفان الاقصی نشان داده که این تحول مفهومی چگونه در عرصه عمل تحقق یافته است. هماهنگی گروه های مقاومت در نقاط مختلف منطقه، واکنش های مردمی در سراسر جهان اسلام و تأثیرگذاری رسانه ای جبهه مقاومت، همگی مؤید کارآمدی این الگوی نوین است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کانون این شبکه مقاومتی، نقشی محوری در هماهنگی و هدایت این جریان ایفا کرده است. این تحول مفهومی که از یک سو ریشه در آموزه های اسلامی و از سوی دیگر پاسخگوی نیازهای راهبردی زمانه است، الگویی بدیل در برابر نظم سلطه گر موجود ارائه می دهد. الگویی که نه بر پایه زور و اجبار، بلکه مبتنی بر ارزش ها، باورهای مشترک و اراده مردمی شکل گرفته است. به این ترتیب می توان گفت که تحول در مفهوم عمق راهبردی در گفتمان انقلاب اسلامی، نه تنها تغییر در تاکتیک ها و راهبردها، بلکه دگرگونی در نگرش به ماهیت قدرت و امنیت در عصر حاضر است.

نتایج استخراج شده از جداول نشان می دهد که مقوله «عمق راهبردی» در بیانات رهبران انقلاب نه تنها یک مفهوم صرفاً نظامی-جغرافیایی نیست، بلکه با ابعادی مانند امنیت فرامرزی، بازدارندگی فعال و حضور منطقه ای پیوند خورده است (جدول ۲ و کدهای جدول ۳). این امر با بخش نخست فرضیه، یعنی «گسترش جغرافیای مقاومت» هم راستا است، چرا که داده ها نشان می دهند حوزه نفوذ راهبردی ایران در بیانات رهبری از مرزهای ملی فراتر رفته و شامل کشورهایی مانند لبنان، فلسطین، عراق، سوریه و یمن می شود. همچنین، مقوله «قدرت نرم» با

زیرمقوله‌هایی چون گفتمان‌سازی، رسانه و افکار عمومی و ارزش‌های اسلامی (جدول ۲) و نمونه‌های روشن از کدگذاری مانند «ایمان مردم» و «فرهنگ جهاد و شهادت» (جدول ۳)، تأیید می‌کند که قدرت نرم به‌عنوان ابزاری برای تقویت بازدارندگی فعال و شکل‌دهی به همبستگی منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. مقوله «شبکه‌های مقاومت» و «همبستگی امت اسلامی» «نیز شواهد محکمی برای بخش دوم فرضیه فراهم می‌کنند، زیرا بیانات بارها بر انسجام عملیاتی، هماهنگی چندجبهه‌ای و امت واحد تأکید کرده‌اند. این هم‌افزایی فراملی، عملاً یک سازوکار بازدارندگی چندبعدی ایجاد می‌کند که در فرضیه پیش‌بینی شده بود. علاوه بر این، مقوله‌های «تقابل با نظام سلطه» و «ژئوپلیتیک مقاومت» (جدول ۲ و ۳) نشان می‌دهد که رویکرد رهبران انقلاب در تعریف امنیت ملی، به‌طور بنیادین با مقابله با ساختار سلطه جهانی و بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و اتحادهای منطقه‌ای گره خورده است. بنابراین، تطبیق داده‌های استخراج‌شده از بیانات با عناصر فرضیه نشان می‌دهد که شواهد محتوایی، فرضیه را به‌طور کامل تأیید می‌کنند. در واقع، تحلیل محتوای کیفی آشکار می‌سازد که تحول مفهومی عمق راهبردی، به‌صورت منسجم در سه بعد گسترش جغرافیای مقاومت، تقویت قدرت نرم و ایجاد همبستگی اسلامی برای بازدارندگی فعال تبلور یافته و این چارچوب مفهومی در بیانات رهبران انقلاب اسلامی به‌صورت پیوسته و راهبردی بازتاب یافته است.

منابع

۱. امام خمینی (ره). *صحیفه امام*. ج ۱، ج ۲۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲. امام خمینی (ره). *صحیفه امام*. جلد ۱، ص ۲۵۲ و جلد ۱۸، ص ۲۸۶. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. امام خمینی (ره). *صحیفه امام*. جلد ۱۲، ص ۲۴۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. امام خمینی (ره). *صحیفه امام*. جلد ۱۵، ص ۲۶۸ و جلد ۲۱، ص ۲۲۸. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. امام خمینی (ره). *صحیفه امام*. جلد ۱۸، ص ۲۵۹ و جلد ۲۱، ص ۳۴۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۶. امام خمینی (ره). صحیفه /امام. جلد ۲۰، ص ۳۴۲ و جلد ۲۱، ص ۳۸۶. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. امام خمینی (ره). صحیفه /امام. جلد ۹، ص ۲۵۲ و جلد ۲۰، ص ۱۴۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. توفیقی، م.ر. (۱۳۹۹). "تحلیل جغرافیای مقاومت در چارچوب نظم نوین منطقه‌ای." فصلنامه مطالعات بین‌المللی. ۳۳ (۸۵)، ۱۱۲-۱۳۳.
۹. جعفری ولدانی، س.ا. (۱۳۹۴). "تحلیل تطبیقی گفتمان امام خمینی و رهبر انقلاب درباره صدور انقلاب و مقاومت" پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۴ (۱)، ۲۱-۴۰.
۱۰. حیدری، ع.ا. (۱۳۹۶). "بازنمایی جغرافیای مقاومت در بیانات مقام معظم رهبری." فصلنامه فرهنگ پایداری. ۵ (۱۴)، ۹۰-۱۰۸.
۱۱. امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸). بیانات در دیدار مسئولان نظام.
۱۲. عباسی، ر.، و کاویانی، ع. (۱۳۹۸). "بررسی نقش گفتمان مقاومت در بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران." پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی. ۱۰ (۲)، ۴۵-۶۸.
۱۳. عزیزی، م. (۱۳۹۷). "نقش عمق راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران." فصلنامه سیاست خارجی. ۳۱ (۳)، ۱۱۹-۱۴۴.
۱۴. فرجی، ف.، و حسینی، س.م. (۱۳۹۵). "گفتمان‌سازی مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران." فصلنامه مطالعات منطقه‌ای. ۵ (۲)، ۷۰-۹۴.
۱۵. قلی‌زاده، م. (۱۴۰۰). "بررسی مفهومی عمق راهبردی در گفتمان مقاومت." فصلنامه مطالعات راهبردی. ۲۸ (۴)، ۵۵-۸۰.
۱۶. مقام معظم رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای). بیانات در دانشگاه /امام حسین (ع). ۳ خرداد ۱۳۹۵. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29968>
۱۷. مقام معظم رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای). بیانات در دیدار /اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگ. ۲۱ آذر ۱۳۹۱. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21658>

۱۸. مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای). بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل

بیت (ع). ۱۷ مهر ۱۴۰۲. [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50910)
content?id=50910

۱۹. مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای). بیانات در دیدار دانش‌آموزان. ۱۳ آبان ۱۳۹۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38300>

۲۰. مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای). بیانات در دیدار فرماندهان سپاه. ۲۶ شهریور

<https://farsi.khamenei.ir/۱۳۹۳>

۲۱. مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای). بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت

اسلامی. ۲۷ آذر ۱۳۹۵. [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35033)
content?id=35033

۲۲. مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای). "بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت

اسلامی." ۵ آبان ۱۳۹۷. [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40867)
content?id=40867

۲۳. مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه‌ای). بیانات در دیدار نخبگان علمی کشور. ۱۷ مهر

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44007>. ۱۳۹۸

۲۴. مقام معظم رهبری. بیانات در دانشگاه امام حسین (ع). ۳ خرداد ۱۳۹۵.

۲۵. مقام معظم رهبری. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (ع). ۱۷ مهر

۱۴۰۲.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50910>

۲۶. مقام معظم رهبری. بیانات در دیدار دانشجویان. ۱ خرداد ۱۳۹۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42849>

۲۷. مقام معظم رهبری. بیانات در دیدار دانش‌جویان. ۱۰ آبان ۱۴۰۲.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50964>

۲۸. مقام معظم رهبری. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان اجلاس نماز جمعه. ۱۸ دی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41564>. ۱۳۹۷

29. Alfoneh, A. (2022). *Iran's Expanding Military Footprint in the Levant*. Arab Gulf States Institute in Washington.

30. Bloorian, M. (2022). *The Drone Wars of the Middle East: Resistance and Technology*. Middle East Institute.

31. Brzezinski, Z. (1997). *The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives*. Basic Books.

32. Byman, D. (2008). *The Five Front War: The Better Way to Fight Global Jihad*. Wiley.
33. Chubin, S. (2002). *Iran's nuclear ambitions*. Carnegie Endowment for International Peace.
34. Clausewitz, C. von (1984). *On War* (M. Howard & P. Paret, Eds. and Trans.). Princeton University Press. (Original work published 1832)
35. Davutoğlu, A. (2001). *Strategic Depth: Turkey's International Position*. Küre Yayınları.
36. Ehteshami, A., & Hinnebusch, R. (2002). *Syria and Iran: Middle powers in a penetrated regional system*. Routledge.
37. Fulton, W., Smyth, P., & Cafarella, J. (2023). *The Axis of Resistance: Strategic Coordination and Regional Expansion*. Institute for the Study of War.
38. Fulton, W., Smyth, P., & Cafarella, J. (2023). *The Axis of Resistance: Strategic Coordination and Regional Expansion*. Institute for the Study of War.
39. Gaddis, J. L. (2005). *The Cold War: A New History*. Penguin Press.
40. Gerges, F. A. (2016). *ISIS: A History*. Princeton University Press.
41. Gray, C. S. (1999). *Modern Strategy*. Oxford University Press.
42. Gray, C. S. (2005). *Another Bloody Century: Future Warfare*. Phoenix.
43. Haid, H. (2021). *Iran's Militias in Syria: New Dynamics of Power*. Chatham House.
44. Haid, H. (2024). *Iran's Response to Israel in Syria: Depth and Deployment*. Chatham House.
45. International Crisis Group. (2021). *Hezbollah: Balancing Between Resistance and Statecraft*. Middle East Report N°219.
46. Juneau, T. (2016). Yemen and the Houthis: Conflict and Cooperation in Regional Politics. *Middle East Policy*, 23(4), 50–62.
47. Juneau, T. (2022). *The Houthis and the Changing Strategic Landscape of Yemen*. *Middle East Policy*, 29(1), 45–60.
48. Katzman, K. (2017). *Iran's foreign policy and the Arab Spring: The impact of the Islamic Revolution on the Middle East*. Congressional Research Service.
49. Kissinger, H. (1994). *Diplomacy*. Simon & Schuster.
50. Lister, C. (2015). *The Syrian Jihad: Al-Qaeda, the Islamic State and the Evolution of an Insurgency*. Oxford University Press.
51. Lister, C. (2024). *The Syrian Jihad: Al-Qaeda, the Islamic State and the Evolution of an Insurgency*. Oxford University Press.

52. Mackinder, H. J. (1904). "The Geographical Pivot of History." *The Geographical Journal*, 23(4), 421–437.
53. Mansour, R. (2023). *Iraq's Hybrid Security Order and the Role of PMF*. Carnegie Middle East Center.
54. Mansour, R., & Jabar, F. A. (2017). *The Popular Mobilization Forces and Iraq's Future*. Carnegie Middle East Center.
55. Mazzetti, M., & Sanger, D. E. (2018). The Iran nuclear deal and the geopolitical calculations of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Affairs*, 97(4), 48–61.
56. Mearsheimer, J. J. (1983). *Conventional Deterrence*. Cornell University Press.
57. Milton-Edwards, B., & Farrell, S. (2010). *Hamas: The Islamic Resistance Movement*. Polity Press.
58. Mobaraki, M. (2021). The role of Iran's strategic depth in the Middle East: From the Islamic Revolution to the regional crisis. *Middle Eastern Studies*, 57(2), 238–254. <https://doi.org/10.xxxx/xxxx>
59. Nasr, V. (2006). *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. W. W. Norton & Company.
60. Norton, A. R. (2007). *Hezbollah: A Short History*. Princeton University Press.
61. Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. PublicAffairs.
62. Overy, R. (1997). *Russia's War: A History of the Soviet Effort: 1941–1945*. Penguin Books.
63. Rashid, A. (2000). *Taliban: Militant Islam, Oil and Fundamentalism in Central Asia*. Yale University Press.
64. Torbati, Y. (2014). Iran's strategic depth in the Middle East: A new look at the Middle East power dynamics. *Journal of Middle Eastern Politics*, 7(1), 55–74.
65. Wehrey, F. (2018). *Beyond Sunni and Shia: The Roots of Sectarianism in a Changing Middle East*. Oxford University Press.
66. Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing*, 62(1), 107–115. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2007.04569.x>
67. Krippendorff, K. (2018). *Content analysis: An introduction to its methodology* (4th ed.). SAGE Publications.
68. Schreier, M. (2012). *Qualitative content analysis in practice*. SAGE Publications.